

خبر کوتاه

علی کریمی – استقلال؛ لذت و رنج یک وابستگی

علی کریمی با خصوصیات منحصر به فردش در ۲ فصل اخیر، تبدیل به لنگر میانه میدان استقلال شده است. هم در شروع بازیسازی از عقب زمین، و هم در انتقال مثبت (از دفاع به حمله)، استقلال به شدت وابسته به حضور کریمی‌ست. این وابستگی پس از حضور استراماچونی در استقلال و شیفت این مربی به سیستم ۳_۲_۱ بسیار بیشتر شد.

مربی ایتالیایی پس از مدت کوتاهی به شناخت درستی از ضعف‌ها و توانایی‌های بازیکنانی که در اختیار داشت رسید. استقلال در ابتدای فصل در پست وینگر، بازیکنانی با توانایی‌های منظر استراماچونی در ترکیب نداشت. مربی ایتالیایی برای غلبه بر این مشکل تصمیم به تغییر سیستم گرفت، با تغییر پست وریا به وینگ‌بک راست و اضافه کردن میلچ در چپ، مشکل کناره‌ها را تا حدی حل کرد. ولی برای بازی با سیستم ۳-۲-۵ مد نظر استراماچونی، یکی از مهم ترین پست‌ها هافبک دفاعی با توانایی به عهده گرفتن نقش ریجستاست. بازیکنانی که بتوانند چنین مسئولیتی را به عهده بگیرند، باید دارای توانایی‌های گسترده و متنوعی باشند.

به جز مسئولیت‌های کلاسیک هافبک دفاعی‌ها که توپ‌گیری در جلوی مدافعان و تخریب بازی حریف در مناطق کلیدی زمین خردیست، وظایف بسیاری در بازیسازی و انتقال‌ها نیز به عهده ریجستا گذارده می‌شود. برای درک بهتر این نقش(پست) در زمین مسابقه، تصور کنید که به پای هر بازیکن تیم خودی طابیی بسته شده است، سر دیگر تمام این طלב‌های فرضی در قلابی بسته شده است که در دستان هافبک میانی است. و با این قلاب فرضی در دست، با هر حرکتی در طول و عرض زمین به تیم خودی جهت می‌دهد.

در زمان بازیسازی از عقب زمین نیز وظیفه برقرار کردن لینک بین مدافعان و هافبک‌ها و رهبری تاکتیک‌های پرس گریزی اغلب بر دوش هافبک میانینست. استراماچونی با درک درست از توانایی‌ها و خصوصیات بازی کریمی، تیش را بر محور هافبک میانی خلاش ارنج کرد، و به اصطلاح قلاب را به دستان علی کریمی سپرد. این تصمیم بیش از پیش استقلال را به حضور علی کریمی در زمین وابسته کرده است. به امار علی کریمی در این فصل که دقت کنیم متوجه خواهیم شد که با میانگین تقریباً ۲ پاس کلیدی در هر بازی (با توجه به این موضوع که بیشتر فصل را در نقش هافبک دفاعی بازی کرده است)، چه میزان از بار موقعیت سازی آبی‌ها بر دوش این هافبک خوش‌فکر نهاده شده است. مشخصه دیگری بازی کریمی در میانه میدان دید درست و سرعت تصمیم‌گیری در زمان انتقال از دفاع به حمله است. حضور علی کریمی در ترکیب استقلال میانگین تعداد پاس لازم برای ایجاد موقعیت را پایین می‌آورد. و سرعت تیمی در زمان انتقال مثبت را بالا می‌برد. بر اساس آمار یازده کریمی در طول فصل اخیر، بیشترین پاس کلیدی، رتبه دوم در پاس گل، و رتبه سوم در گلزنی را بین هم تیمی‌های خود ثبت کرده است.

نیمه اول بازی مقابل الشرطه در نبود کریمی استقلال آشفته و سردرگم بود. لینک بین مدافعان و هافبک‌ها به درستی برقرار نمی‌شد و مهاجمان استقلال یکی از کمترین لمس توپ‌های این فصل خود را ثبت کردند. ولی در نیمه دوم با حضور کریمی ریزم و ساختار بازی استقلال متعادل‌تر شد.به امار سایت یازده برای حضور یک نیمه‌ای کریمی دقت کنید :

با توجه به اهمیت ساختاری پست بازی کریمی و زمان کم تا شروع فصل جدید و نمایش ضعیف نیمه اول استقلال مقابل تیم عراقی، مدیران باشگاه برای ادامه همکاری با جایگزینی کریمی باید به سرعت تصمیم‌گیری کنند. در صورت جدایی مرد قلاب‌دار میانه میدان استقلال، کادر فنی جدید هم باید به سرعت یک تصمیم سخت بگیرد، که قلاب‌دار دیگری انتخاب کند، یا طناب‌ها را به ترتیب دیگری متصل کند.

مجید نامجو مطلق:

باید سه امتیاز بازی سرنوشت‌ساز را بگیریم/ از دیدار قبل درس گرفتیم
سرمربی تیم استقلال گفت: برای صعود به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا نیاز به پیروزی برابر الاهلی عربستان داریم و محکوم به پیروزی هستیم.

مجید نامجو مطلق سرمربی تیم استقلال در نشست خبری پیش از بازی با الاهلی عربستان در نشست خبری اظهار داشت: در ابتدا باید اعتراض کنم که من و هم‌راهانم یک ساعت برای رسیدن به محل کنفرانس در راه بودیم بخاطر اینکه راننده مسیر را بلد نبود و از این بابت بسیار عصبانی هستم. وی اضافه کرد: فردا بازی سرنوشت سازی داریم و فقط دنبال گرفتن امتیاز کامل آن هستیم.
آنالیز خوبی از الاهلی داریم و با احترام به حریف، فردا محکوم به برد هستیم. در واقع ما به تیم مقابل و انگیزه های آنها کاری نداریم و انگیزه بازیکنان خودمان مهم است و با انگیزه وارد مسابقه خواهیم شد و برای هدف مان خواهیم جنگیدسرمربی آبی پوشان گفت: همانطور که بعد از بازی عرض کردم تیم ما از شرایط بازی دور بود و بخاطر همین بازیکنان ما نیمه اول خوبی نداشتند ولی نیمه دوم شرایط عوض شد و می‌توانستیم گل های بیشتری به ثمر برسانیم.
از بازی گذشته درس گرفتیم و به این خدا تلاش خواهیم کرد که بازی فردا را برنده باشیم.
مجید نامجو مطلق در پایان این نشست خبری گفت: این اتفاقی که برای ما امروز افتاد و یک ساعت در راه بودیم، امیدوارم آخرین اتفاق باشه و تکرار نشود، ما فردا بازی مهمی داریم و نیاز به تمرکز داریم.

درست است که بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی استقلال دلیل اصلی توقف عملیات تقویت این تیم و قطع خریدهای تازه بوده است اما باید پذیرفت که آبی‌ها در بازار نقل‌وانتقال‌های امسال لاقل تا این لحظه بسیار منفعل کار کرده و نه تنها چیز زیادی به اندوخته‌های خود نیفزوده‌اند بلکه نیروهای کلان و گرانی را از دست داده‌اند و یا در آستانه از کف دادن آنها هستند. این در حالی روی داده که استقلال امشب در خاک قطر دیداری حیاتی با الشرطه عراق در لیگ قهرمانان آسیا دارد که چنانچه پیروز این میدان نباشد صعودش به مرحله حذفی این پیکارا به‌طور جدی به خطر خواهد افتاد.

البته تا پایان مدت نقل و انتقالات زمان زیادی مانده اما خرید نفرات تازه و قدرت و مشروعیت استفاده از آنها فقط در صورتی ممکن می‌شود که آبی‌ها با طبلکاران بزرگ‌شان که آندرها استراماچونی و وینفرد شفر هستند، تسویه حساب کنند ولی اگر قرار بود توان پرداخت این پول‌های نجومی را داشتند، اینک دچار چنین مخمصه‌ای نبودند. استمرار وضعیت فعلی سبب خواهد شد سران استقلال تا اواسط آبان که زمان انقضای مهلت نقل و انتقال‌ها است کاری از پیش نبرند و اگر هم خریدی صورت بدهند، عملاً قادر به استفاده از آنها نخواهند بود و مثل اسباب و اشیایی خواهند بود که در ویتترین گذاشته می‌شوند تا به لطف چشم‌نواز بودن مشتریان را به سوی مغازه بکشند بدون اینکه دارنده کالا حق استفاده از آنها را داشته باشد.

اگر دیاباته و قایدی هم بودند

استقلال در هفته‌های اخیر امثال مرتضی تبریزی، محسن کریمی و عبدالعظیم گوگ را از دست داده و به نظر می‌رسد علی دشتی را هم دیگر به خدمت نگیرد و به رغم تکذیب شدن چندباره انتقال روزهبه چشمی به ام‌صلال قطر وی نیز یک گزینه بسیار محتمل برای جدایی و کوچ

۱. شوک اول ساعتی قبل از مسابقه به تیم پرسپولیس وارد

شد. مهدی بن‌عطیه، ملی‌پوش مازنی و مدافع اسبق بونونوس، در حالی که در دیدار گذشته دحیل از بازی اخراج شده بود، به یک‌باره توسط AFC بخشیده شد تا تیم قطری در روزی که برای صعود نیاز مبرم به برد داشت، سرشناس‌ترین بازیکنش را از دست ندهد.

۲. شوک دوم در همان دقایق ابتدایی بازی وارد شد. داور سریلانکایی اسم طولانی، با کوچک‌ترین تماسی برای تیم قطری خطا می‌گرفت و برخوردهای شدیدتری برای پرسپولیس نه! قضاوت بودار داور ضعیف سری‌لانکایی صدای اعتراض گل‌محمدی، پیروانی و مظهری را در همان اوایل کار در آورد و بازیکنان تیم را هم عصبی کرد.

۳. یش‌بینی این که با کوچک‌ترین تماسی احتمال گرفتن پناثلی برای دحیل وجود داشته باشد، کار سختی نبود. اما شما مشغول انجام بازی فوتبال هستید. این جا هم رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیاست و هر دو سمت ماجرا هم شانس صعود دارند. تا چه حد می‌توان از برخورد اجتناب کرد؟ مگر می‌شود برای زدن ضربه‌ی سر درون محوطه جریمه خودی بلند شد و هیچ برخوردی اتفاق نیفتد؟ نمی‌دانم، ما که ندیده‌ایم، اما ظاهراً در سری‌لانکا می‌شود که داور اهل این کشور، برخورد طبیعی موثر علی و شجاع را پناثلی تشخیص داده است. این هم از شوک سوم!

۴. آیا تا به حال در فوتبال اروپا دیده‌اید که برای قضاوت یک بازی میان نماینده‌ای از آلمان و هلند، داورِ از کشور قبرس انتخاب شود؟ خیر! امکان ندارد برای قضاوت بازی میان دو تیم صاحب سبک در یک قاره، داور را از کشوری انتخاب کنند که هیچ کس آخرین حضور کشور آن داور در رقابت‌های ملی آن قاره را به خاطر نداشته باشد! ماجرای انتحاب این داور سری‌لانکایی برای بازی پرسپولیس و دحیل هم همین است. انتخاب از پایه و اساس اشتباه بود.

۵. پرسپولیس یک نیمه‌ی اول درخشان را مقابل تیم پرستاره‌ی قطری سپری کرد. آن‌ها دو، سه موقعیت خوب را روی حرکات امیری، آل‌کثیر، پهلوان و بنشار ایجاد کردند که خودخواهی، تعلل و تمام‌کنندگی ضعیف مانع از گل‌زنیشان شد. یحیی با اضافه کردن

مقابل الشرطه عراق، بازی استقلال یک چیزی کم داشت که هیچ ربطی به نیمکت‌نشینی علی کریمی و محمد دانشگر نداشت! هردوی این عالیجنابان که از جمله خوب‌های استقلال هستند، کاری کرده بودند که نامجومطلق مجبور باشد با بهترین و قویترین تیمش مسابقه را شروع نکند! کمبود استقلال که چیزی حدود یک سال، کاری به کار این تیم نداشت این بود:

... پاس بده و ندو! پاس بده و نرو! به همین راحتی، استقلال در تمام حملات پرتعدادی که داشت، حمایت از مرد پا به توپ شونده را، دریغ میکرد! به این ترتیب بود که هر دو مهاجم استقلال – هم دیاباته و هم قایدی- زودتر و تنهاتر و فاصلهدارتر، هم با هم و هم با بقیه تیم در موقعیت یک‌تمام‌کننده «تک‌مانده» باید به بازی یک به چند، روی بیاورد! که نتیجه‌ای در یک نتیجه به‌بار نمیآورد! بازی استقلال، یک «نه یاد بود» هم داشت: توپ بازی، دیر پاسدهی، وقت تیم را تلف کردن!

بازی استقلال که دوباره رجعتی داشت به عادات قدیمیاش، از حرکت در ۱۸ قدم حریف هم دست‌برمی‌داشت و تبدیل میشد به فوتبالی ساکن و ایستاده یا نشسته که در آن نه به دیاباته توپ به اندازه می‌رسید و نه به قایدی! دو کم‌کار و حتی بیکار! حتی ارسال مظهری هم که گل پررب‌هایی زد، به عنوان یک پاس‌گیر، هدف خوب و پرتحرابی نبود! گرچه او، بازی در ۱۸ را ذاتا دوست دارد! مهاجم‌های ایستا، در هر تیمی آسانتر یارگیری و گرفته می‌شوند!

چرا درجا زدن؟

دوم- نحوه بازی فرشید باقری نشانه نوعی از عقب‌نشستگی حرکتی و شناختی است که در بازی فرشید اسماعیلی و نیز وریا غفوری هم نشاندار شده است! این هر سه به نوعی دور خودشان میچرخند! بازی خطی ولو با انحناء، بازی بدون شکست و فاقد

امتیاز

روزنامه‌صبح ایران

ویرینی چشمگیر اما غیر قابل استفاده



به لیگ‌های عربی است، به آنها اضافه کنید علی کریمی هافبک محوری و کلیدی آبی‌های تهرانی را که امکان همراهی آنها را در مسابقه یکشنبه شب برابر الشرطه عراق از دست داده است و پیشنهادات خارجی خوبی دارد و سکناتش نشان می‌دهد بیشتر میل به جدایی دارد و مایل نیست در تهران بماند و معطل ارتباط‌ها و پروسه‌هایی در استقلال شود که به کمتر کسی وفا کرده و کلی طبلکار روی دست این باشگاه گذاشته است. فراموش نکنیم که شیخ دیاباته هم با دادن اولتیماتوم به استقلال و نگرفتن پولش در آستانه جدایی از این تیم است و اگر مهدی قایدی هم که پرخواستار است، قصد رفتن کند (و پول زیاد حاصل از لژیونر شدن وی می‌تواند استقلال را تا حدی احیا کند و مدیران این باشگاه را هم طبعاً وسوسه کرده است) دیگر چیز قابل توجهی از آبی‌ها برجا نخواهد ماند.

مهره‌های صوری

طبق اخبار و اتفاقات و مشاهدات تا این لحظه بابک مردادی، سیداحمد موسوی، متین کریم‌زاده، محمدحسین مرادمند و البته رشید مظاهری تنابوی سرلک یا کمال به دو مدافع میانی‌اش هنگام ساخت بازی از عقب زمین، خط اول پرس تیم دوحیل را که متشکل از مونز علی و دودو یا ادمیلسون بود، می‌گشکست. چرخش پاس بالای مدافعان و هافبک‌های پرسپولیس هم موجب شده بود آن‌ها خط دوم پرس تیم قطری را هم کنار بزنند و از همین راه موقعیت‌های خوبی ایجاد کنند.

دحیل برخلاف دو دیدار مقابل شارجه، در این مسابقه توانست از بوضیاف و جنونپر استفاده کند و به همین علت آرایش خود را به ۳-۲-۴ تغییر داد و رامین رضاییان هم یک خط عقب‌تر آمده بود و در سمت راست خط دفاع بازی می‌کرد. با این حال، نگرفتن پرس دحیل از یک‌سو و فشار بسیار خوبی که امیری و آل‌کثیر به دو مدافع میانی و تک هافبک دفاعی این تیم می‌آوردند، کار آن‌ها را سخت کرده بود.

۷. درست دقایقی پیش از صحنه‌ی منجر به پناثلی، بازیکنان پرسپولیس برای اولین بار در طول این مسابقه، زیر فشار پرس از جلوی زمین دحیل توپ را لو داده بودند که آن توپ در نهایت ختم به خیر شد، اما در صحنه‌ی پناثلی، بار دیگر این اتفاق تکرار شد و این بار ادمیلسون با یک پاس پشت سر سید جلال، شجاع را مجبور به پرش/خطا از نظر داور سری‌لانکایی کرد.

۸. جنونیو براندائو یا مهدی عبیدی؟ تصمیم کالدرون: جنونیو، کریستین اوساگونا یا مهدی عبیدی؟ تصمیم یحیی؟ اوساگونا. آرمان رمضانی یا مهدی عبیدی؟ تصمیم گل‌محمدی؟ رمضانی. مهدی عبیدی بدون شک بدشانس‌ترین بازیکن این فصل پرسپولیس است. کسی که در دربی گل زد اما باز هم نیمکت‌نشین مهاجم بی‌کیفیت برزیلی شد، در روزهای غیبت اوساگونا نمایش‌های درخشانی در لیگ داشت اما با بازگشت بازیکن بلندقد نیجریه‌ای نیمکت‌نشینش شد و حالا هم نیمکت‌نشین رمضانی شده که کیفیتش تفاوت چندانی با اوساگونا ندارد. باید به رمضانی زمان داد تا در تیم جا بیفتد؟ حتی اگر هم این فرضیه را قبول کنیم، دیدارهای آسیایی زمان جا افتادن یک بازیکن در یک تیم نیست و بهتر است از بازیکنی استفاده کرد که خودش را در تیم پیدا کرده است. ضمن این که رمضانی در این سه بازی نشان

کریم‌تین اوساگونا یا مهدی عبیدی؟ تصمیم یحیی؟ اوساگونا. آرمان رمضانی یا مهدی عبیدی؟ تصمیم گل‌محمدی؟ رمضانی. مهدی عبیدی بدون شک بدشانس‌ترین بازیکن این فصل پرسپولیس است. کسی که در دربی گل زد اما باز هم نیمکت‌نشین مهاجم بی‌کیفیت برزیلی شد، در روزهای غیبت اوساگونا نمایش‌های درخشانی در لیگ داشت اما با بازگشت بازیکن بلندقد نیجریه‌ای نیمکت‌نشینش شد و حالا هم نیمکت‌نشین رمضانی شده که کیفیتش تفاوت چندانی با اوساگونا ندارد. باید به رمضانی زمان داد تا در تیم جا بیفتد؟ حتی اگر هم این فرضیه را قبول کنیم، دیدارهای آسیایی زمان جا افتادن یک بازیکن در یک تیم نیست و بهتر است از بازیکنی استفاده کرد که خودش را در تیم پیدا کرده است. ضمن این که رمضانی در این سه بازی نشان

استقلال دچار خودیاری‌گیری!



تغییر فضا! اسماعیلی مدت‌هاست که در بازی گم می‌شود و غفوری دیگر قائل به حضور در مکان هافبک‌ها، تا رذن گل نیست! و استقلال بازی به بازی در این سبک از بازی که فاقد سبک و شیوه کرده است! حرکت است، فرومی‌رود! باتلاق! تاکتیک! گرداب بازیکش! و حالا استقلال باید به خودش بازگشتی داشته باشد، مفید و آزادکننده! چهارشنبه شب، برای غلبه بر الاهلی، هم باید تیم اول استقلال را از اول در زمین دید و هم به زبان خود وقت را تباید کنند! ما باید به

عادت پاس دادن و دویدن و دویدن برای پاس گرفتن بازگشت! و هم باید دیاباته، اسماعیلی، قایدی و علی کریمی‌را در پرتحرکترین نقش‌ها به بازی گرفت! حتماً برای مظهری هم فکری بهتر باید که شاید تا فردا، جا افتادنش در

ویرینی چشمگیر اما غیر قابل استفاده

دوخت و پای ثابت و بزرگ افتخارات بود. تجربیات سال‌های اخیر می‌گوید عوض کردن دائمی اعضای هیأت مدیره استقلال و گسیل دائمی افراد تازه که متخصصان امر ورزش نیستند به باشگاه «آبی» سبب بی‌ثباتی بیشتر اوضاع و خریدهای غلط و بی‌سرانجامی شده است که وصف آنها را آوردیم و بنابراین آینده باشگاه لزوماً چندان روشن‌تر از وضعیت فعلی آنها نیست که براساس آن به ظاهر (و حتی باطناً و به طور واقعی) مظاهری و مرادمند را در جمع نفرات خود دارند اما به سبب محرومیت‌های مقرر از سوی FIFA حق بهره‌گیری از آنها را ندارند و فقط باید تماشایشان کنند!

این صرفنظر از مشکلات ویژه‌ای است که جذب مظاهری از تبریز موجب شده و تراکتور آن را به‌رسمیت نمی‌شناسد زیرا آبی‌های شناخته‌ده بدون جلب توافق طرف تبریزی را فردی قرارداد بستند که هنوز با تراکتوری‌ها قرارداد دارد و نفر دوم دروازه‌بانان ایران در سال‌های اخیر تلقی شده است.

پایان این صبر کجاست؟

فصل جدید لیگ برتر دیر یا زود آغاز خواهد شد و چنانچه محدودیت‌های فعلی برطرف و استقلال قادر به استفاده از نفرات جدیدش نشود و در هفته‌های پیش رو خریدهای درشت تازه‌ای نداشته باشد، دوران کم رونق استقلال که هفت سال اخیر را در بر گرفته، از این هم طولانی‌تر خواهد شد و تیمی که فتح مجدد لیگ برتر تبدیل به یک حسرت برایش شده، به آرامی آن را آرزویی در دورودست خواهد دید.

شکی نیست که بزرگی و اعتبار استقلال در حدی است که سرانجام روزی به این حسرت پایان داده و دوباره قهرمان خواهد شد اما اینکه با این سوءمدیریت‌ها و تصمیم‌های غیرعقلانی پایان این صبر ناگوار کجاست، هیچ‌کس نمی‌داند.



داد بازیکنی کم‌تحرک و با ضریب هوشی پایین است و جایگیری‌های اشتباه دارد. این مسئله ارتباط چندانی با جا افتادن در یک تیم ندارد. ۹. شکست پرسپولیس حاصل یک اشتباه کوچک بود. در حالی که نمایش بی‌نقص سرلک و کامیابی‌نا در نیمه‌ی اول باعث شد پرسپولیس به خوبی پرس دحیل را بشکند، اما در دو صحنه‌ی متوالی در نیمه‌ی دوم در این کار خلل ایجاد شد و پرسپولیس به شدیدترین شکل مجازات شد. کار پرسپولیس برای صعود سخت شد؟ آن چنان نه. پرسپولیس در هر حال باید شارجه را در بازی آخر شکست می‌داد و اکنون هم پیروزی در این مسابقه سند قطعی صعود پرسپولیس است. کاری که انجاشن نه غیرممکن است نه مثل آل خوردن. سرخ‌ها حالا می‌توانند با دوم شدن در این گروه از فاقال احتمالی با السد، ژاوی، سانتی کاسورلا و داور احتمالاً مهربان با تیم قطری! هم فرار کنند.

۱۰. نمایش تیم یحیی گل‌محمدی در دو مسابقه‌ی آخر بسیار امیدبخش‌تر از چیزی بود که تصور می‌شد. آن‌ها از بعد تاکتیکتی نمایش مطلوبی داشتند، بازیکنانی مثل لک و سرلک مطمئن ظاهر شدند و عیسی آل‌کثیر بسیار جگنده و دونده ظاهر شد و خیلی خوب در موقعیت قرار می‌گرفت و دخالت‌های بسیار مثرم‌تری در محوطه جریمه داشت. این‌ها می‌توانند اخبار خوبی برای هواداران پرسپولیس در آستانه‌ی متفاوت‌ترین فصل پنج سال اخیرشان باشد.

افتاد! جوری باید مسابقه داد که حداکثر لیاقت و تمام سزاوری همه تیم معلوم شود! غلط‌های مبنایی و اشتباهات اصولی فوتبال، باید پاک شوند! باید بازی تیمی‌ری را برای بردن آغاز کرد و تا نبردیم به پایانش اجازه نداد! باید برد! باید برد! بردن باید! **شخصیت والای کمک‌مربی: در نامش مستر است**

چهارم- اتفاقی به صورت کاملاً غیراتفاقی، توسط مدیران ناشی و تازه‌وارد در حال شدت گرفتن دوباره است:

استخدام «فله‌های اعضای کادر فنی، در راستای جور کردن همکاران سرمربی، آن کار دیگر را انجام دادن! در این شیوه نامیمون و غیرمبارک، باشگاه، با سرمربی کلی و کنترتایی به توافق رالی، توانمی و یا رزمتی می‌رسد و دیگر کاری به کار البالقی امور ندارد! در سر مدیریت راحت‌طلب و سطحی‌نگر کم می‌شود و به سود خودشان می‌دانند! این رویه، قیلاً هم وجود داشت ولی پس از آنکه یکسری اجحافات و زیاده‌خواهی از سوی دلالان محترم بالا گرفت، یک روز، یک نفر از کمک مربیان که جایگاه خود را کوچک کرده و تشخص کارپاش را دست‌خورده میدید، گفت: من نیستم و «فرماسیون» آشنا، هم مفیدتر از ندیده گرفتن او با هر کدام از نفرات چرخه آتش است! استقلال، کار خودش را با گل‌هایی که نزد، بسیار سخت کرده است. وظیفه باز کردن گردن پرس و اینک بر بازی خودش دارد، به عهده تمام تیم است! حتی آن‌ها که با کت و شلوار سورمه‌ای، کنار زمین بالا و پایین میپروند! حضرات چه‌کاره تشریف داشتند؟

۱۱ جستجو لازم است

سوم- «تالش» کردن و نالیدن و پای این و آن را به ماجراهای خانگی باز کردن، کمترین ضررش، خود را دچار ضعف روحی کردن است! یک بازی در پیش است و یک صعود در پی آن! باید الاهلی را بردا برای این برد، در تل‌های خودساخته نباید

اخبار

مغزهای کوچک زنگ‌زده

دو شکست ۱-۰ برای شهرخودرو و دو شکست ۲-۰ برای سپاهان. دو سرمربی بسیار جوان فوتبال ایران، مهدی رحمتی و محرم نویدکیا در ابتدای حضورشان در عرصه مربیگری به سنگ سختی خورده بودند و شکستشان از قبل هم قابل پیش‌بینی بود. تیم مشهدی که بدون خریدهای جدیدش و با از دست دادن ستون خط دفاعی خود، مرادمند، به قطر سفر کرده بود و تیم اصفهانی هم با وجود حفظ تمامی نفرات و جذب اسماعیلی‌فر و نژاد مهدی، در حالی به قطر می‌رفت که باید با گران‌ترین تیم قاره(النصر) و ژاوی مربی و کاسورلای بازیکن برای صعود می‌جنگید. با نتایج رقم خورده، شهرخودرو رسماً از گردونه رقابت‌ها کنار رفت و سپاهان هم برای صعود نیاز به معجزه دارد. حال امید فوتبال ایران در هفته‌های آتی به سرخ‌های پایتخت است تا حداقل ایران بدون نمایند در مرحله حذفی مسابقات نباشد. سپاهان و شهرخودرو، شاید از بعد فنی در دومین دیدارهایشان چندان مستحق شکست نبودند. شهرخودرو نزدیک به ۶۵٪ مالکیت توپ داشت و دو موقعیت خوب گل‌زنی هم خلق کرد. سپاهان هم بیشتر از حریفش شوت زد و هم مالکیت توپ بیشتری داشت، حتی دروازه‌بان تیم النصر، برن جوزئ، به واسطه‌ی ۸ مهارتی که داشت، سومین بازیکن هفته‌ی چهارم لیگ قهرمانان آسیا هم شد. با همه‌ی این تفاسیر، شکست این دو تیم برای فوتبال ایران و این سبک از مدیریت لازم بود. تصور کنید این دو باشگاه با مربیان جوان و تازه‌کارشان که هیچ سابقه‌ی مربیگری ندارند، در این دو مسابقه نتیجه می‌گرفتند و در نهایت هم از گروهشان صعود می‌کردند، آن گاه هر مدیر کم‌دانشی تصور می‌کرد می‌تواند پیشکسوت محبوب یک باشگاه یا بازیکن من و باج‌تربس تیمش را به یک باره به عنوان سرمربی انتخاب کند و بعد هم نتیجه بگیرد. فوتبال ایران باید بداند فوتبال در قاره‌ی آسیا و سراسر جهان سال‌هاست که روی اصول، برنامه‌ریزی و تمام عباراتی که برای مدیر ایرانی کلیشه‌ای و بی‌فایده جلوه می‌کند، جلو می‌رود. فوتبال ایران باید بداند دیگر کاربزمای فلان مربی، محبوبیت یک بازیکن، تجربه‌ی دیگری و داد و فریادهای لب خط آن یکی، اگر پشتوانه‌ای به اسم « دانش فنی» نداشته باشد، ره به جایی نخواهد برد. فوتبال ایران باید بداند دیگر نمی‌توان تنها روی عباراتی چون « غیرت بچه‌ها» و « غیرت زبان‌زد ایرانی» حساب کرد و جلو رفت. مدیر ایرانی و فوتبال ایران باید بداند آن چه نخبه‌مانده آن، چه یک کلیشه‌ی بی‌ثمر است، مانور پوپولیستی روی کلماتی مثل « غیرت» و « تعصب» است، نه کلماتی که تنها در ذهن زنگ‌زده مدیر ایرانی کلیشه‌ای فرض می‌شود. آری، شهر خودرو باید می‌باخت تا مالک باشگاهش متوجه شود در تقابل سرمربی و بازیکنش، نباید پشت سرمربی را خالی کند و یک هفته بعد، آن بازیکن را سرمربی تیم سپاهان هم باید می‌باخت تا مدیران این باشگاه برای چهار مسابقه‌ی حساس در لیگ قهرمانان آسیا روی یک سرمایه‌ی باشگاه قمار نکنند. آن‌ها می‌توانستند بعد از رقابت‌های لیگ قهرمانان تیم را به طور کامل به محرم بسپارند و برای این مسابقات، حداقل دستیار قلعه‌نویی، تکسیرا را سرمربی تیم نگه می‌داشتند که روی بازیکنان این تیم هم شناخت بهتری داشت. فراموش نکنیم قبل از این دو مسابقه، سپاهان تنها یک امتیاز با صدرجودل فاصله داشت و کاملاً از شانس صعود برخوردار بود. صعودی خود می‌توانست چند صد هزار دلار را به حساب باشگاه واریز کند. اما این جا ایران است؛ تعلل و تدبیر، آخرین حلقه‌ی زنجیر تصمیم‌گیری یک مجموعه مدیریتی محسوب می‌شود!

تبریز در انتظار تعیین سرنوشت کاپیتان تیم ملی

احسان حاج صفی که حالا می‌شود او را کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران در دوره تازه خواند، در تابستان دو سال پیش به‌عنوان یکی از سه ابرستاره جذب‌شده توسط زنوزی در فصل نقل و انتقالات پیراهن تراکتور را بر تن کرد اما بعد از دو سال فعالیت و کسب یک جام حذفی آرام‌آرام به دنبال یک تصمیم مهم درباره آینده فوتبالی خود است. حاج صفی که یک بازیکن همه‌کاره بوده و یکی از مهم‌ترین بازیکنان تراکتور در دو فصل گذشته محسوب می‌شود و در عین حال تأثیر بسیاری در کسب سهمیه در فصل گذشته داشته، در فاصله یک ماه مانده به اتمام رقابت‌های لیگ برتر همان‌طور که عادت دارد هرگز در مقابل شایعاتش برای پیوستن به لیگ یونان و اکتشبی نشان نداده است. او تنها در پایان دیدار فینال استقلال و فتح جام حذفی مصاحبه‌ای کوتاه با تعدادی خبرنگار انجام داد و درخصوص آینده فوتبالی‌اش گفت : «یک‌فصل با تراکتور قرارداد دارم و اگر قرار باشد در ایران بمانم در تبریز به کار ادامه خواهم داد و حالا قرار است در این زمینه صحبت کنم.»البته پس‌ازاین مصاحبه هیچ خبر دیگری از توافق یا گفت‌وگوی مجدد این بازیکن و تراکتور به میان نیامده و این در شرایطی است که پیشنهاد می‌آرس یونان به این ستاره چپ با همه‌چنان به قوت خودش باقی است اما حاج صفی احتمالاً با توجه به شرایط کلی این تیم در فصل آینده درباره ادامه حضورش در تراکتور تصمیم خواهد گرفت. علیرضا منصوریان هم که قبل از استقلال تمام تلاش خود را برای استخدام و جذب حاج صفی انجام داده بود و حتی تا پای قرارداد هم پیش رفته بود یکبار دیگر در این موقعیت قرارگرفته تا این بازیکن موردعلاقه‌اش را در فصل آینده در خدمت داشته باشد. بازیکنی که در پست‌های دفاع چپ ، هافبک نفوذی و هافبک دفاعی به میدان می‌رود و در لیگ ایران بدبلیی برای او وجود ندارد. بازیکنی که البته اسمش در فهرست تیم‌های دیگری مثل استقلال و سپاهان نیز بود اما احتمال حضور حاج صفی در یکی از این دو تیم ناچیز و در حد صفر است چراکه به نظر نمی‌رسد هیچ تیمی بتواند رضایت محمدرضا زنوزی را برای جدایی حاج صفی جلب کند .